

سید علی حسینی

انتخاب صحابان

| جلد ۲ |

| تکلیف نخبگان |

بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی
حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای (مدظله العالی)
درباره‌ی وظایف نخبگان و خواص در امر انتخابات



مجلس شورای اسلامی
مقره‌ی دوازدهم، حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای، قم



مؤسسه پژوهشی فرهنگی
مقره دفتر آیت‌الله العظمی خامنه‌ای مدظله العالی

انتخاب‌صالحان

| جلد ۷ |

| تکلیف نخبگان |

بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی

حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدظله العالی)

درباره‌ی وظایف نخبگان و خواص در امر انتخابات

ناشر: انتشارات انقلاب اسلامی

(وابسته به مؤسسه‌ی پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی)

نسخه الکترونیکی

هرگونه بهره‌برداری بصورت چاپ و تکثیر ممنوع می‌باشد.

تهران، خیابان جمهوری اسلامی، خیابان دانشگاه جنوبی، کوچه‌ی عطارد،

شماره‌ی ۷ - تلفن: ۶۶۹۷۷۲۶۸ - ۶۶۴۰۵۱۰۰

مرکز پخش: ۰۹۱۹۵۵۹۳۷۳۲ - ۶۶۴۸۳۶۹۵ - سامانه پیامکی: ۱۰۰۰ ۲۰ ۱۲۰

پست الکترونیکی: Info@Book-khamenei.ir - <http://Book-Khamenei.ir>

مقدمه

انسان و نظر او در جهان بینی اسلامی از جایگاه والایی برخوردار است و از اینجاست که رأی مردم در مباحث سیاسی اسلام، نقش اساسی و تعیین کننده دارد. می توان با نگاه به سیره ی سیاسی پیامبر اکرم و امام معصوم (علیهم السلام)، شواهد فراوانی برای این امر پیدا نمود. اگرچه مشروعیت حکومت اسلامی از ولایت الهی نشأت می گیرد اما مقبولیت آن همواره نیازمند حضور مؤثر آحاد مردم است. از سویی دیگر اصل حضور مردم است که به تشکیل حکومت می انجامد و مردمنده که در مواقع لزوم، پاسداری نظام را برعهده خواهند گرفت.

نگاه به مردم و اهتمام به آرای آنان، از شاخصهای مکتب سیاسی حضرت امام خمینی (ره) است و از این روست که پس از سقوط رژیم منحوس شاهنشاهی، اولین اقدام امام بزرگوار ما مراجعه به آرای عمومی بوده است.

رژیم پهلوی و سلسله های پیش از آن، کوچک ترین

سهمی را برای نظرات آحاد جامعه قائل نبودند و انتخابات آن دوران بیشتر پوششی بود بر تن استبداد شاهان. بسیاری از مردم از آمد و شد نمایندگان اطلاعی نداشتند و در طول عمر خود یک بار هم صندوق رأی را ندیده بودند.

با پیروزی انقلاب اسلامی نگاه ملت ایران به سیاست تغییر کرد و حضور در صحنه‌های سیاسی به عنوان یک وظیفه‌ی شرعی قلمداد گردید. اعتماد مردم به نظام اسلامی باعث شد که نصابهای بسیار چشمگیر و کم سابقه در پای صندوقهای رأی شکل گیرد. اکنون نظام مقدس ما از مردمی‌ترین حکومتهاست. در این نظام حثی رهبر جامعه با واسطه انتخاب می‌گردد و از رأی مردم به عنوان حق الناس صیانت می‌گردد.

شایان ذکر است که بین انتخابات در جمهوری اسلامی و انتخابات در دیگر حکومتها تفاوت جدی وجود دارد. انتخابات در بسیاری از نقاط جهان، جنگ بر سر قدرت است در حالی که انتخابات در نظام اسلامی، رقابتی برای دست‌یابی بهترین فرد برای مسئولیتهاست.

بر این اساس است که باید انتخابات تراز جمهوری اسلامی برخوردار از ویژگیهای خاص خود باشد. در این عرصه هر یک از افراد مؤثر در امر انتخابات وظایفی را برعهده خواهند داشت. در بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی (مدظله‌العالی) به روشنی وظایف هر یک

از افراد، اقشار و نهادهای مرتبط با انتخابات مشخص شده است.

انتشارات انقلاب اسلامی در آستانه‌ی انتخابات دوره‌ی پنجم خبرگان رهبری و دوره‌ی دهم مجلس شورای اسلامی، مجموعه کتابهایی را در موضوع انتخابات و با بهره‌گیری از بیانات رهبر معظم انقلاب (مدظله‌العالی) تدوین نماید. این مجموعه شامل نه جلد است که هر کدام از آن، سهمی را در تبیین نظریه‌ی انتخاباتی معظم‌له خواهد داشت. سرفصلهای کتابهای مجموعه به شرح زیر است:

۱. واجب سیاسی (بیان اهمیت انتخابات، انتخابات مجلس خبرگان و مجلس شورای اسلامی)
۲. راه و اصول امام (بازخوانی خط امام برای سنجش عیار احزاب و جریانهای فعال در انتخابات)
۳. خوابهای بی تعبیر (شرح توطئه‌ها و برنامه‌های دشمنان برای انتخابات)
۴. اصولگرای اصلاح طلب انقلابی (به منظور بازخوانی شاخصهای جریانهای وفادار به نظام)
۵. مجری و ناظر (شرح وظایف وزارت کشور و شورای نگهبان)
۶. همه باهم (شرح وظایف عموم مردم در انتخابات)
۷. تکلیف نخبگان (شرح وظایف نخبگان و خواص در امر انتخابات)

۸ انتخاب صالحان (تکلیف نخبگان)

۸. ویژگیهای نماینده‌ی صالح

۹. الزامات داوطلبی (شرح وظایف نامزدها و بایدها
و نبایدهای رفتاری آنان در ایام انتخابات)

ومن الله التوفيق

فهرست مطالب

فصل اول: حوزویان و روحانیان	۱۱
وظیفه‌ی روحانیت در هدایت اجتماعی و سیاسی مردم	۱۱
وظیفه‌ی علما در ترویج استقامت، امید و اطمینان بین مردم	۱۲
اهمیت تقویت روحیه‌ی داخلی مردم	۱۲
ایجاد اطمینان در دل مردم؛ از شئون تبلیغ	۱۲
وظیفه‌ی علما در حفظ اتحاد و امید مردم	۱۳
نقش اتحاد در ایجاد نشاط در بین مردم	۱۴
روحانیت؛ یک حیثیت فراگیر	۱۴
ضرورت پرهیز روحانیت از ورود به خطوط سیاسی	۱۴
پرهیز از درگیریهای جناحی در حوزه	۱۵
شجاعت، هوشیاری و بصیرت سیاسی؛ از نیازمندیهای مرزبانی روحانیت	۱۶
ضرورت حضور فعال حوزه‌ها در حرکت عظیم جامعه	۱۷
ضرورت موضع‌گیری حوزه در برابر استکبار	۱۸
علما در برابر استعمارگران در تاریخ	۲۰
خطر بزرگ بی‌تفاوتی طلبه نسبت به مسائل انقلاب	۲۰
درس و مباحثه در کنار وظایف انقلابی	۲۱
نسبت روحانیت با نظام اسلامی؛ حمایت در کنار نصیحت	۲۳
وظیفه مبلغان در آشنا کردن مردم نسبت به اهمیت انتخابات نقش روحانیت در افزایش مشارکت مردمی و انتخاب آگاهانه	۲۵

۱۰ انتخاب صالحان (تکلیف نخبگان)

- ۲۹..... نقش علمای دین در هدایت مردم در امر انتخابات.....
- فصل دوم: دانشگاهیان..... ۳۱.....
- ۳۱..... وظیفه‌ی دانشجوی؛ سیاست‌گری و نه سیاست‌زدگی.....
- ۳۲..... علاقمندی دشمنان ایران به غبارآلود شدن فضای کشور.....
- ۳۳..... تبیین حق و صراحت در بیان؛ راهکار علاج فتنه.....
- ۳۵..... کناره‌گیری و سکوت در دوران فتنه؛ خواست دشمن.....
- ۳۶..... دو وظیفه‌ی افسران جنگ نرم.....
- ۳۷..... الف) بالا بردن معرفت‌های سیاسی و دینی.....
- ب) پیدا کردن نگاه مستفسران‌هی همراه با انتقاد سازنده..... ۳۷.....
- ۳۸..... امید؛ اساسی‌ترین مطلب.....
- ۳۹..... وظیفه‌ی نخبگان در تقویت امید در مردم.....
- ۳۹..... ضرورت شرکت بانشاط دانشجویان در انتخابات.....
- وظیفه‌ی نخبگان علمی در تشویق مردم برای شرکت در انتخابات..... ۳۹.....
- وظیفه‌ی دانشجویان در افزایش مشارکت مردم در انتخابات..... ۴۰.....
- فصل سوم: هنرمندان و اهل رسانه..... ۴۳.....
- ۴۳..... بصیرت‌بخشی؛ از وظایف مداحان.....
- ۴۴..... وظیفه‌ی هنرمندان در شرایط فتنه.....
- ۴۶..... بیان و تبیین؛ وظیفه‌ی هنرمندان در برابر جنگ نرم.....
- ۴۸..... ضرورت خدمت‌گزاری شعر به مفاهیم ملی و انقلابی.....
- بی‌تفاوتی برخی از شعرا نسبت به تحرکات دشمن علیه کشور..... ۴۸.....
- توقع معقول نظام از هنر و هنرمندی..... ۵۰.....
- ضرورت موضع سیاسی داشتن هنرمند در مورد اصول انقلاب..... ۵۲.....
- استفاده‌ی ناشایست استکبارگران از هنر..... ۵۳.....
- کلید پیشرفت کشور به دست هنرمندان..... ۵۵.....
- وظایف هنرمندان..... ۵۶.....
- لزوم پرهیز مطبوعات از به‌هم ریختن فضای سیاسی کشور..... ۵۷.....
- ضرورت پرهیز مطبوعات از تیره و تار نشان دادن شرایط کشور..... ۵۷.....

فصل اول حوزویان و روحانیان

وظیفه‌ی روحانیت در هدایت اجتماعی و سیاسی مردم نقش علمای دین در هدایت مردم، منحصر نمیشود به هدایت در امور فرعی و مسائل شخصی و اینها. مهم‌تر از همه‌ی اینها، هدایت مردم است در مسئله‌ی عظیم اجتماعی و مسئله‌ی حکومت و مسئله‌ی نظام اسلامی و وظایفی که مترتب بر این هست در مقابله با حوادث جهانی. یقیناً اگر نقش علمای دین و راهنمایان روحانی حذف میشد و وجود نمیداشت، این انقلاب تحقق پیدا نمی‌کرد؛ این نظام به وجود نمی‌آمد و باقی نمی‌ماند، با این همه مشکلات فراوانی که در سر راه این انقلاب به وجود آوردند. بنابراین علمای دین - که از جمله‌ی برترین آنها، مجموعه خبرگان هستند - تأثیر ماندگار و مستمری در حوادث جامعه و سرنوشت جامعه دارند که خوب، آثارش را بحمدالله می‌بینیم.^۱

۱. در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۸۸/۱۲/۰۶

وظیفه‌ی علما در ترویج استقامت، امید و اطمینان

بین مردم

یک کلید اصلی وجود دارد و آن امید دادن و اطمینان دادن به مردم است. این کاری است که به عهده‌ی من و شماست: ما معممین، ما مسئولان، ائمه‌ی محترم جمعه؛ کار باید این باشد که به مردم امید بدهید و اطمینان بدهید. اگر مردم ناامید شدند، اعتماد خودشان را از دست دادند، متزلزل شدند، شکست قطعی است.^۱

اهمیت تقویت روحیه‌ی داخلی مردم

تقویت روحیه‌ی داخلی. یکی از مسائل مهم، مسئله‌ی تقویت روحیه‌ی داخلی است. که اگر حالا صحبت طولانی نشود؛ مزاحمت زیاد نشود، من بعد این را عرض خواهم کرد. این جزو وظایف ماست. تقویت روحیه جزو چیزهایی است که از وظایف اصلی ماست؛ چه به حیث مسئولین، چه به حیث روحانیون و معممین؛ این جزو چیزهایی است که باید هیچ وقت این را فراموش نکنیم.^۲

ایجاد اطمینان در دل مردم؛ از شنون تبلیغ

شان روحانی؛ این شان هم یکی از مصادیق

۱. در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۸۹/۰۶/۲۵

۲. همان

همین تبلیغ است. از جمله این است که در دل‌های مؤمنین، حالت اطمینان و سکینه به وجود آورد: «هو الَّذی انزل السَّکِیْنَةَ فی قلوب المؤمنین»^۱. سکینه، یعنی حالت استقرار، حالت آرامش؛ آرامش روانی، آرامش فکری. نقطه‌ی مقابل این اطمینان، حالت تشنج فکری و آشوب فکری و بی‌انضباطی فکر و اندیشه و احساسات در وجود یک فرد است که او را به انواع و اقسام بدبختی‌های شخصی و اختلالات اجتماعی میکشاند. اگر شما امروز با مسائل دنیای مدرن، دنیای سرشار از فناوری و علم و صنعت برتر و پیشرفته‌های علمی که داعیه‌ی رهبری جهان را دارند - یعنی اروپا و آمریکا - آشنا باشید، خواهید دید که امروز بزرگ‌ترین گرفتاری آنها، فقدان این حالت آرامش و اطمینان و سکینه است.^۲

وظیفه‌ی علما در حفظ اتحاد و امید مردم

تلاش شما این باشد که التیام و اتحاد میان آحاد مردم را حفظ کنید؛ بگذارید سیاستون - آن کسانی که در مراکز سیاسی نشسته‌اند - توی سروکله‌ی هم بزنند؛ هیچ اهمیتی ندارد. سعی شما این باشد که در گفتار، در نماز، در نماز جمعه و در سخنرانی، روح وحدت و

۱. سوره‌ی فتح، آیه‌ی ۴

۲. در دیدار روحانیون و مبلغان در آستانه‌ی ماه مبارک رمضان

نزدیکی به یکدیگر - بخصوص روح امید - را در بین جوانها و آحاد قشرهای مختلف زنده نگه دارید.^۱

نقش اتحاد در ایجاد نشاط در بین مردم

گاهی در بعضی از شهرها دیده میشود که بین بعضی از مسئولان، یا بعضی از اهل علم، یا بعضی از اصحاب و شئون مختلف، اختلافاتی وجود دارد؛ مردم نه حال نماز جمعه، نه حال نماز جماعت، نه حال راه پیمایی، نه حال کارهای گوناگون را دارند؛ اصلاً دل مرده اند. وحدت و اتفاق و هماهنگی و نزدیکی به هم، به مردم شور و نشاط میدهد. اینجا بحمد الله این طور است؛ ما باید این را هرچه بیشتر کنیم.^۲

روحانیت؛ یک حیثیت فراگیر

روحانیت بایستی یک حیثیت فراگیر باشد؛ فراتر از بقیه‌ی حیثیتهایی که ممکن است افراد را از هم جدا کند.^۳

ضرورت پرهیز روحانیت از ورود به خطوط سیاسی قداست و استحکام نظام اسلامی بایستی در همه

۱. در دیدار ائمه‌ی جمعه، علما و روحانیون استان اردبیل در مسجد میرزا علی اکبر ۱۳۷۹/۰۵/۰۴
۲. در جمع روحانیون و طلاب حوزه‌ی علمیه و ائمه‌ی جمعه و جماعات استان بوشهر ۱۳۷۰/۱۰/۱۱
۳. در دیدار با امام جمعه، علما و روحانیون کرمان ۱۳۷۰/۰۸/۲۰

حال محفوظ بماند؛ روحانیت بایستی این موضع را بگیرد و برای اینکه این کار بتواند بخوبی انجام بگیرد، اعتقاد من این است که در اختلافات سیاسی موجود خطی باید کمتر دخالت کرد، و به یک معنا اصلاً نباید دخالت کرد؛ منتها از باب اینکه بالاخره اگر فضا، فضای صد درصد سالمی نباشد، هر نفس کشیدنی هم، به صورتی و به معنایی تعبیر خواهد شد، در چنین فضایی کوشش کنند که هرچه بیشتر خود را از درگیریها دور نگاهدارند؛ یعنی آن جنبه‌ی پدری و عمومی را برای همه‌ی مردم داشتن؛ هر دو قشر متعارض با یکدیگر را فرزندان خود و احیاناً دارای اشتباهاتی دانستن. اینها را بایستی رعایت کرد تا روحانیت همواره بالاتر از اختلافات بماند.^۱

پرهیز از درگیریهای جناحی در حوزه

نکته‌ی دوازدهم این است که در حوزه باید از درگیر شدن با مسائل جناحی به شدت پرهیز شود که بحمدالله این رعایت شده، باز هم رعایت بشود. بخصوص طلاب جوان باید مواظب باشند و این مسائل خطی و جناحی و گروهی و معارضه‌ها و درگیریها و غیبتها و امثال این چیزها را به داخل حوزه‌ها نکشانند که در حوزه‌ها بکلی ضایعه به بار خواهد آمد.^۲

۱. همان

۲. در آغاز درس خارج فقه ۳۱/۰۶/۱۳۷۰

شجاعت، هوشیاری و بصیرت سیاسی؛ از
نیازمندیهای مرزبانی روحانیت

این مرزبانی، فقط شجاعت نمیخواهد؛ هوشیاری
و بیداری و تحلیل سیاسی هم لازم دارد.

بعضی کسان هستند که به خاطر نداشتن فهم
سیاسی و تحلیل سیاسی، در جهنم می افتند. البته
یک عده هم به خاطر اغراضشان به جهنم می افتند؛ اما
بعضی افراد، غرض چندانی هم ندارند، ولی به خاطر
نفهمیدن و نداشتن بصیرت، در جهنم واقع میشوند.
لذا امیرالمؤمنین در جنگ صفین فرمود: «الا... لا یحمل
هذا العلم الا اهل البصر و الصبر»^۱. این دو کلمه در
کنار هم - بصیرت و پایداری - چه زیباست! اگر این
دو باهم بودند، این پرچم برافراشته خواهد ماند. یک
نمونه اش عمّار یاسر بود و نمونه های فراوان دیگری نیز
وجود دارد. امروز بصیرت - به تعبیر عرف رایج - همان
تحلیل سیاسی و فهم سیاسی است. باید بفهمیم
دشمن کجاست، دوست کجاست؛ دشمن کیست،
دوست کیست. بسیاری از شما در دوران جنگ
تحمیلی به جبهه رفته اید. گاهی انسان در واحدی
نشسته، صدای توپخانه می آید. آدمهایی که ناواردند،
اصلاً نمیدانند صدا از کدام طرف است و دشمن
کجاست. اگر این آدم ناوارد را پشت توپ بگذارند و
بگویند آتش کن، یک وقت میبینید که روی جبهه ی
خودی آتش ریخت! میدانند که عراق در غرب ایران

۱. نهج البلاغه، خطبه ی ۱۷۳

است؛ اما آیا دشمن همیشه در غرب بود؟ گاهی در جنوب و گاهی در شمال بود. باید انسان بداند دشمن کجاست. وقتی که دانستید، راحت آتش میریزید و به هدف میزنید؛ اما وقتی که نشناختید، آتشتان روی سر خودیها میریزد. یک عده به خاطر عدم بصیرت و عدم فهم و عدم تشخیص، آتش را روی سر خودیها میریزند! امان از وقتی که این عدم فهم و عدم تشخیص، با برخی از اغراض و ضعفهای اخلاقی توأم شود؛ که اگر شد، واویلاست! وظیفه، سنگین و کار، بزرگ است؛ اما در مقابل بحمدالله شما توانا و جوان و متراکمید؛ متفرق و پراکنده نیستید. حوزه‌های علمیه محل تجمع و تراکم و مرکز اشعاعند؛ بایستی نور خودشان را به همه‌ی مراکزی که به آن نور احتیاج دارند، بپاشند.^۱

ضرورت حضور فعال حوزه‌ها در حرکت عظیم جامعه

مطلب سوم هم این است که حوزه‌ی علمیه، باید در صف اول حرکت عظیم جامعه قرار داشته باشد. همچنان که ملاحظه کردید، مراجع بزرگ ما مثل مرحوم آیت الله العظمی گلپایگانی، مرحوم آیت الله العظمی نجفی و امروز آیت الله العظمی اراکی، چه در زمان امام (رضوان الله علیه) و چه بعد از زمان امام تا امروز، در صف اول قرار داشتند. در هر حادثه‌ی مهمی که در جامعه اتفاق می افتاد، اینها مقدم بودند. روز

۱. در جمع علما و روحانیون در مصالای رشت ۱۳۸۰/۰۲/۱۲

رای گیری، اول صبح، مرحوم آقای گلپایگانی و مرحوم آقای مرعشی، اولین کسانی بودند که رای میدادند. کار اینها، یک کار رمزی و نمادین بود. خوب؛ رای را عصر هم میشود داد. اما اول صبح رای دادن، یک کار رمزی است. امام (رضوان الله علیه) را دیده بودید که چقدر مقتید بودند! حالا وضع ایشان که معلوم است.

مراجع قم این طور بودند. در کارهای اساسی؛ جنگ، حضور در جبهه ها، تحریر بر حضور در جبهه ها، کارهای اقتصادی و غیره، همیشه در صف مقدم بودند. حوزه، باید این طور باشد. کسی که در حوزه باشد و به نظام اسلامی و احکام قرآن - که در این نظام عملی میشود - و به حکومت اسلامی - که به برکت مجاهدت مردم سرپا شده است - با چشم غیرجدی نگاه کند، یک عنصر بیگانه است؛ هرکس میخواهد باشد. در حوزه علمی علمیه صحیح شیعی، همه بخصوص طلاب جوان، باید خود را در صفوف اول بدانند، که بحمد الله همیشه همین طور بوده است؛ یعنی همیشه فضیلتی جوان، طلاب جوان، بزرگان حوزه و مدرّسین محترم، در صفوف مقدم جا داشته اند؛ باز هم باید در صفوف مقدم جا داشته باشند.^۱

ضرورت موضع گیری حوزه در برابر استکبار
اگر ما به دین و تعمیق دین و ترویج دین و گسترش

۱. در آغاز درس خارج فقه ۲۰/۰۶/۱۳۷۳

دینداری اهمّیت می‌دهیم، باید دشمن این رویکرد را بشناسیم. کیست آن جایگاه و آن قدرتی که امروز از گسترش دین و تعمیق دینداری بیم‌ناک است و با آن دشمن است؟ این نقطه عبارت است از استکبار، که در رأسش آمریکاست و فعال‌ترینش صهیونیستها هستند؛ هم شبکه‌ی صهیونیستی، هم دولت جعلی صهیونیستی؛ اینها دشمن دینداری‌اند. این مسئله‌ی قرآن‌سوزی را دست‌کم نگیرید، این مسئله‌ی کاریکاتورهای علیه نبی مکرم اسلام را دست‌کم نگیرید. البته شروعش از سلمان رشدی شد؛ اما قبل از او و بعد از او دستگاه عظیم فیلم‌سازی هالیوود و شرکتهای هالیوودی برای اسلام‌ستیزی مأموریت پیدا کردند. آن وقت دنباله‌روهاشان در ایران می‌گویند جمهوری اسلامی توقع دارد که هنرمند با دستور عمل کند! شماها دارید با دستور عمل می‌کنید؛ به خیالتان ما نمی‌فهمیم؟! دستور است که علیه اسلام، علیه روحانیت، علیه قرآن، علیه تشّرع و تدین فیلم بسازند، فضلاً از انقلاب اسلامی؛ که خوب، خیلی واضح علیه انقلاب اسلامی می‌سازند و می‌گویند؛ اینها دشمنند.

دشمن رویکرد دینداری و دین‌پذیری و اعتقاد به دین و گسترش این معنا عبارت است از استکبار. حوزه در مقابل استکبار نمیتواند ساکت بماند؛ این را من عرض بکنم. حوزه در مقابل استکبار همیشه باید موضع داشته باشد.^۱

۱. در دیدار جمعی از اساتید، فضلا و طلاب نخبه‌ی حوزه‌ی علمیه‌ی قم ۱۳۸۹/۰۸/۰۲

علما در برابر استعمارگران در تاریخ

آن روزی که انگلیسیها در زمان محمدشاه قاجار در بوشهر پیاده شدند، برای اینکه اوهرات را زیر فشار قرار داده بود، اینجا اهرم فشاری برای او به وجود آمد. چه کسی در مقابل اینها ایستاد؟ چه کسی به امثال رئیس علی فتواداد و برایشان بیان کرد و تشویق کرد و تحریض کرد و به مردم دلگرمی و قدرت داد؟ غیر از علما چه کسانی بودند؟ آنها در مقابل زورگوها و قلدرها می ایستادند. این تکلیف همیشگی ماست و باید آن را رعایت کنیم.^۱

خطر بزرگ بی تفاوتی طلبه نسبت به مسائل انقلاب شرط اصلی صلاح حوزه، این است. اگر حوزه کارش به آنجا برسد که طلبه نسبت به مسائل انقلاب، احساس بی تفاوتی کند، خطر بزرگی است و نباید بگذارد چنان شود. یکی از مهمترین وظایف هر مجموعه‌ی مسئولی در حوزه‌ی علمی‌ی قم و بقیه‌ی حوزه‌های علمی‌ی، این است.

طلبه‌ها باید در صفوف مقدم باشند. اگر جنگ پیش می‌آید، طلبه باید در صفوف مقدم جنگ باشد و این را ارزش قرار بدهد. این، حقیقتاً یک ارزش است. آن کسی که در حوزه‌ی علمی‌ی مشغول درس خواندن است، به مجرد اینکه اذان حرب و جهاد بلند

۱. در جمع روحانیون و طلاب حوزه‌ی علمی‌ی و ائمه جمعه و جماعات

شد، به سمت جهاد فی سبیل الله میشتابد، اصلاً قیمتی برایش متصور نیست.

بهترین عناصر طلبه، آن کسی است که همین روحیه را در خود داشته باشد و پیروانند تا مشمول آن حدیث «من لم یغزولم یحدّث نفسه بغزومات علی شعبه من التّفاق» نشود. اگر هم مانعی پیش آمده و نمیتواند عملاً وارد میدان جنگ شود، دلش برای میدان جنگ بجوشد و روحش در آنجا باشد؛ یعنی «حدّث نفسه بغزو» باشد. این، ارزش بسیار والایی است. این روحیه باید زنده بماند.

حوادث گوناگونی برای انقلاب هست؛ طلاب باید حاضر و آماده باشند. مسئله‌ی آمریکا پیش می‌آید، اظهار نفرت از دشمنان و مستکبران پیش می‌آید، مسائل خلیج فارس پیش می‌آید، مسائل گوناگون دیگری پیش می‌آید؛ طلبه اول کسی باشد که احساس کند مسئولیتی دارد و آن مسئولیت را استفسار کند، ببیند چیست. هنگامی که مسئولیتش مشخص شد، در جای مسئولیت خودش باشد. اینها با طلبگی میسازد.^۱

درس و مباحثه در کنار وظایف انقلابی

تصور نشود که اگر بخواهم این طور بکنم، پس کی

۱. در دیدار با مجمع نمایندگان طلاب و فضلاء حوزوی علمیّه ی قم ۱۳۶۹/۱۱/۰۴

درس بخوانم؟ درس را همیشه بخوان. جنگ که همیشه نیست، راه پیمایی که همیشه نیست، حضور در صحنه‌های ضروری که هر ساعت نیست. درس هم باید بخواند و بی درس و بی تحقیق و بی مباحثه، طلبه معنای خودش را از دست می‌دهد.

در آن دوران مبارزات، عده‌ای از طلبه‌ها غرق در عالم مبارزه بودند؛ آن هم مبارزات آن زمانها که طور دیگری بود و آمیختگیها و پیچیدگیهایی داشت. یک جریان، جریان روشن فکری و یک جریان، جریان مبارزه بود و اینها در مواردی باهم التقا میکردند و البته در آن موارد، التقایشان هم خوب بود و طلبه‌های مبارز، گاهی یک حالت روشن فکری پیدا میکردند. من که در مشهد بودم، با طلبه‌ها انس داشتم. طلبه‌ها و جوانان قم هم مکرر پیش من می‌آمدند و میرفتند و مسئله مطرح میکردند و من میدیدم که اینها نسبت به درس بی‌رغبتند. مکرر به این طلبه‌ها میگفتم که برادران! این درس رسایل و مکاسب را باید بخوانید، این کفایه را باید یاد بگیرید. اینکه خیال کنید ما دیگر مبارزیم، پس دیگر این حرفها چیست، معنای حرفی به چه درد می‌خورد، این اجتماع امر و نهی و مقدمه‌ی واجب را ولش کن، اشتباه فکر کرده‌اید. نخیر، این طوری نمیشود. باید اینها را یاد بگیرید. این، فن ماست. مکرر میگفتم و الان هم همین را میگویم که بی‌مایه، فطیر است.

طلبه‌ای که در درس و علم، غور و خوض نداشته

باشد، طلبه نیست و موضوع، منتفی است. بحث، سرطلبه است. طلبه، یعنی آنکه باید درس بخواند.^۱

نسبت روحانیت با نظام اسلامی؛ حمایت در کنار نصیحت

نسبت روحانیت با نظام اسلامی، نسبت روشنی است. نسبت روحانیت و حوزه‌های علمیه با نظام اسلامی، نسبت حمایت و نصیحت است. این را توضیح خواهم داد. حمایت در کنار نصیحت، دفاع در کنار اصلاح. آن دو مفهوم غلط، حقیقتاً انحرافی و خصمانه است؛ به دلیل اینکه اولاً حکومت آخوندی و نسبت دادن جمهوری اسلامی به این مفهوم، حرف دروغی است. جمهوری اسلامی حکومت ارزشهاست، حکومت اسلام است، حکومت شرع است، حکومت فقه است، نه حکومت افراد روحانی. روحانی بودن کافی نیست برای اینکه کسی سلطه‌ی حکومتی پیدا کند. جمهوری اسلامی با حکومت‌های روحانی‌ای که در دنیا میشناسیم، در گذشته هم بوده است، امروز هم در نقطه‌هایی از دنیا هست، ماهیتاً متفاوت است. حکومت جمهوری اسلامی، حکومت ارزشهای دینی است. ممکن است یک روحانی ارزشهایی را حائز باشد که از بسیاری از روحانیها برتر باشد؛ او مقدم است؛ اما روحانی بودن هم موجب نمیشود که از کسی سلب صلاحیت

شود. نه به تنهایی روحانی بودن صلاحیت آور است، نه روحانی بودن موجب سلب صلاحیت است. حکومت دین است، نه حکومت یک صنف خاص و یک مجموعه‌ی خاص.^۱

وظیفه مبلغان در آشنا کردن مردم نسبت به اهمیت انتخابات

ما امروز چه چیزی را به مردم بگوییم؟ در کجا چه مطلبی دارای اولویت است؟ بعضی از مسائل دینی، عمومی است و باید در سطح عموم به همه گفته شود؛ مثل اخلاقیات و معارف دینی و سیاسی که همه به آن احتیاج دارند؛ یا مسائل مربوط به نظام و یا مسائل موسمی مانند انتخابات که هر جا مبلغ می‌رود، باید مردم را به اهمیت انتخابات آشنا کند و تفهیم نماید که این یک وظیفه و ضرورت است. اینها متعلق به همه جای کشور است و مخصوص قشرو محلّ معینی نیست؛ لیکن بعضی از موضوعات متعلق به بعضی از جاهاست؛ مثلاً در محیط روشن فکran و جوانان و دانشجویان، چیزهایی مورد نیاز است که شاید در جای دیگر مورد نیاز نباشد و باید کسی باشد که آنها را بیان کند.^۲

۱. در دیدار طلاب، فضلا و اساتید حوزه‌ی علمیه‌ی قم ۱۳۸۹/۰۷/۲۹

۲. در دیدار جمع زیادی از روحانیون، فضلا و مبلغان اسلامی در

آستانه‌ی ماه مبارک رمضان ۱۳۷۴/۱۰/۲۷

نقش روحانیت در افزایش مشارکت مردمی و انتخاب آگاهانه

یک جمله هم راجع به مسئله‌ی انتخابات که فرمودند و درست هم هست عرض کنم. شما باید مردم را به دوام‌تذکر دهید: اول، اصل ورود در انتخابات است. مبدا کسانی شُذّاذی از مردم از امر انتخابات غافل بمانند. اگرچه یقین دارم که مردم غافل نیستند. و خیال کنند که این انتخابات اهمّیتی ندارد. خیر؛ بسیار مهم است. دشمنیها را ببینید! ببینید که در معیارهای جهانی و میزانهای سیاسی عالم، حضور مردم در جمهوری اسلامی و در صحنه‌های گوناگون، نسبت به قضاوتها و تشخیصها و تصمیمها، چگونه تعیین‌کننده است! نفس این که این نظام، نظامی متکی بر مردم و آرای مردم است، حدّاکثر اهمّیت را دارد. نفس قبول مردم، حدّاکثر اهمّیت را دارد. یک جا که مظهري از حضور مردم در صحنه است چه انتخابات، چه راهپیماییها و چه بعضی از استقبالهای باشکوهی که انجام میگیرد و حضور مردم را نشان میدهد، به کلی ترفندهای دشمنان را لااقل تا مدتی خنثی و باطل میکند. امروز با توجه به اینکه دشمنان در سطح جهان مایلند خودشان را به هم‌دستیهایی علیه نظام جمهوری اسلامی نائل کنند، اهمّیت حضور مردم از اوقات دیگر هم بیشتر است. اگرچه این حضور، همیشه اهمّیت بسیار زیادی داشته است؛ اما شاید بشود گفت که در حال

حاضر، این اهمّیت از همیشه بالاتر و بیشتر است. این را به مردم یادآوری کنید.

نکته دوم این است که به مردم تفهیم کنید که همچنان که شرکت در انتخابات یک وظیفه است، گزینش خوب و آگاهانه هم یک وظیفه است. البته ممکن است همه‌ی تلاشها به نتیجه نرسد؛ اما انتخاب‌کنندگان تلاش کنند، برای اینکه گزینش درستی داشته باشند. این، خیلی مهم است. البته هیچ‌کس در صحنه‌ی انتخابات وارد نمیشود، مگر اینکه شورای نگهبان صلاحیت او را اعلام کند. بنابراین، کسانی که وارد صحنه‌ی انتخابات میشوند، اشخاصی هستند که شورای نگهبان، که امین مردم در این قضیه است، پای اسم آنها را امضا کرده و اعلام صلاحیت نموده است. بنابراین، همه صلاحیت دارند؛ منتها امر ریاست جمهوری، بالاتراز این حرفهاست. باید گشت و اصلح را پیدا کرد. باید گشت و امین‌ترین را انتخاب کرد. باید جست‌وجو کرد و در بین این چند نفر، به‌طور نسبی قادرترین براداری کشور را پیدا کرد. مهم است. چون این امر مهم است، تفاضل هرچه هم کم باشد، اهمّیت پیدا میکند. در کارهای کلان، این‌طور است. فرق دو مبلغی که باهم اندکی تفاضل دارند، اگر جنسی که می‌خواهیم با این مبلغ تهیه کنیم، یک کیلو و دو کیلو جنس است، خیلی اهمّیت ندارد؛ اما وقتی آنچه که می‌خواهیم جابه‌جا کنیم، فرضاً هزاران تن از این جنس است،

آن هنگام تفاضل در قیمت وقتی هم کم باشد، حجم زیادی مییابد و اهمّیت پیدا میکند. همه‌ی کارهای کلان، این طوری است.

ریاست جمهوری خیلی مهم است؛ چون اداره‌ی امور اجرایی کشور در یک دوره‌ی نسبتاً طولانی، یعنی چهار سال است. باید مردم بگردند و بهترین را گزینش کنند. مردم به شما اعتماد دارند. مردم به علما اعتماد دارند و حرف و تشخیص آنان را، تشخیص قابل احتجاج عندالله میدانند. این، خیلی مهم است. لذا باید مردم را در انتخاب درست کمک کنید. مبادا کسی از روحانیون احساس کند که در این مسائل، وظیفه و تکلیفی ندارد و بگوید مردم خودشان بروند هر کاری که میخواهند، بکنند! البته راجع به همه‌ی روحانیون نمیخواهیم بگوییم. کسان خاصی هستند که به طور استثنایی از این موضوع خارجند؛ اما شما علما میتوانید به مردم کمک کنید. مردم هم در این قضایا، بیش از همه به علما اعتماد میکنند؛ حتی کسانی که ممکن است سروکاری هم با علما نداشته باشند. بالاخره انسان برای امور زندگی خودش، به شخص امین اتکا میکند. اگر کسی خودش هم حتی خیلی امانت نداشته باشد، اما برای حفظ پول و مال خود، به شخص امین مراجعه میکند. مردم، علما را امین خودشان میدانند. اگر در این زمینه، علما به مردم کمک کنند، این مرجع قابل قبولی برای آنان است.

البته شما هم آن وقت که میخواهید مردم را راهنمایی کنید، باید حدّا کثردقت را درگزینش بکنید. باید چیزی بگویید که فردا بتوانید پیش خدای متعال جوایش را بدهید. کسی را باید به مردم معرفی کنید که بتوانید پایش بایستید و به خدای متعال بگویید که حجّت من این بود. عدم دخالت خطرناک است؛ دخالت بدون حجّت هم خطرناک است. پیش خودتان و خدا، حجّت پیدا کنید. مردم را در این امر آگاه کنید. مردم هم به شما اعتماد میکنند، باید هم اعتماد بکنند؛ امین مردم هستید و باشید. کاری کنید که مردم بتوانند با رأی بالایی، یک شخص لایق و مدیر و متعبّد و متدین و مجرب در امور اداری کشور انتخاب کنند. البته دست شما هم به کسی غیر از آن کسانی که شورای نگهبان آنها را ارائه خواهد داد، نمیرسد. در بین همانها باید کسی را انتخاب کنید. در بین آنها بگردید و بهترین را که با معیارهای صحیح تطبیق کند پیدا کنید و به مردم معرفی نمایید.

مردم را وادار کنید در انتخابات شرکت کنند که نفس شرکت مردم در انتخابات هم خیلی مهم است. اگر شرکت کنندگان در انتخابات کم باشند، اما فرد صالح با صدی نود آرا انتخاب شود؛ یا این که شرکت کنندگان زیاد باشند و فرد صالح، مثلاً با پنجاه و پنج درصد انتخاب شود، چنانچه بین این دو صورت، امر دایر باشد، این دومی مقدّم است. البته

در هر صورت باید فرد صالح انتخاب شود؛ اما درصد کمتر داشتن او، در حالی که مجموع شرکت کنندگان رقمشان بالاست، اهمیت بیشتری دارد از اینکه مجموع شرکت کنندگان کم باشند و درصد این فرد صالح بالا باشد. لذا کوشش کنید، مردم در امتحان و آزمایش مهمی که در این روز وجود دارد، إن شاء الله از عهده برآیند؛ خدای متعال هم به شما کمک خواهد کرد.^۱

نقش علمای دین در هدایت مردم در امر انتخابات مسئله‌ی خبرگان و مجلس خبرگان - همین طور که بارها عرض شده است - یک مسئله‌ی بسیار مهم و استثنایی است؛ یکی از تمایزات نظام جمهوری اسلامی این است. مجموعه‌ی خبرگان، مجموعه‌ی علمای صاحب نام و صاحب شأن در بین مردم، مورد اعتماد مردم در همه‌ی قضایا، بخصوص در قضیه‌ی بسیار مهم رهبری و انتخاب رهبری و قضایای مربوط به آن محسوب میشود. و همین حضور اثرگذار و حساس در بین مردم، آثار و برکات خودش را داشته است و دارد. حضور مردم در حوادث بزرگ و مهم و اعلان موضعی که میکنند - مثل راهپیمایی مهم بیست و دوم بهمن، که واقعاً یک پدیده‌ی عظیمی بود در تاریخ انقلاب در این شرایط و با این اوضاع و

۱. در دیدار با روحانیان و مبلغان اعزامی در آستانه ماه محرم الحرام

۳۰ انتخاب صالحان (تکلیف نخبگان)

احوال؛ و قبل از آن، حضور مردم در خیابانها در سراسر کشور در نهم دی - بدون اینکه علما و راهنمایان معنوی مردم که مورد اعتماد آنها هستند، دلهای مردم را به حقایق این انقلاب متوجه کنند، میسر نمیشد.^۱

۱. در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۸۸/۱۲/۰۶

فصل دوم دانشگاهیان

وظیفه‌ی دانشجویان؛ سیاست‌گری و نه سیاست‌زدگی
حالا اینجا یک نکته‌ی اساسی مطرح میشود که من همیشه در مواجهه با دانشجویان، روی آن تکیه میکنم و آن، «پیدا کردن قدرت تحلیل مسائل و جریانهای مهم کشور» است. سیاست در دانشگاهها - که بنده همیشه روی آن تأکید کرده‌ام - به این معناست. ما دو کار سیاسی داریم: سیاست‌زدگی و سیاست‌بازی؛ این یک جور کار است. این را من به هیچ وجه تأیید نمیکنم؛ نه در دانشگاه و نه در بیرون دانشگاه؛ بخصوص در دانشگاه. یکی هم سیاست‌گری است؛ یعنی حقیقتاً فهم و قدرت تحلیل سیاسی پیدا کردن، که یکی از وظایف تشکلهای دانشجویی این است. من تأکید میکنم، تشکلهای دانشجویی - که عمده نمایندگان آنها، در اینجا تشریف دارید - نوع برنامه‌ریزی و کار را به کیفیتی قرار دهید که دانشجوی

قدرت تحلیل سیاسی پیدا کند؛ هر حرفی را به آسانی نپذیرد و هراحتتمالی را به آسانی در ذهن خودش راه ندهد یا رد نکند؛ این قدرت تحلیل سیاسی، خیلی مهم است. ما غالباً چوب این را خورده ایم؛ نه ما، بلکه ملت‌های دیگر هم بر اثر خطاها و خبطهایی در فهم سیاسی شان، گاهی مشکلات بزرگی را از سر گذرانده‌اند. این، یک مسئله‌ی مهم است.^۱

علاقمندی دشمنان ایران به غبارآلود شدن فضای کشور

دشمنان ملت از شفاف بودن فضا ناراحتند؛ فضای شفاف را برنمی‌تابند؛ فضای غبارآلود را می‌خواهند. در فضای غبارآلود است که می‌توانند به مقاصد خودشان نزدیک شوند و به حرکت ملت ایران ضربه بزنند. فضای غبارآلود، همان فتنه است. فتنه معنایش این است که یک عده‌ای بیایند با ظاهر دوست و باطن دشمن وارد میدان شوند، فضا را غبارآلود کنند؛ در این فضای غبارآلود، دشمن صریح بتواند چهره‌ی خودش را پنهان کند، وارد میدان شود و ضربه بزند. اینی که امیرالمؤمنین فرمود: «أما بدء وقوع الفتن أهواء تتبع و احكام تبتدع»، تا آنجایی که می‌فرماید: «فلوات الباطل خالص من مزاج الحق لم يخف على المرتادين»؛ اگر باطل، عریان و خالص بیاید، کسانی که دنبال شناختن حق

۱. در دیدار دانشجویان نمونه و نمایندگان تشکلهای مختلف

هستند، امر برایشان مشتبه نمیشود؛ میفهمند این باطل است. «ولوات الحق خالص من مزج الباطل انقطع عنه السن المعاندين»؛ حق هم اگر چنانچه بدون پیرایه بیاید توی میدان، معاند دیگر نمیتواند حق را متهم کند به حق نبودن. بعد میفرماید: «ولیکن یؤخذ من هذا ضغث ومن ذاك ضغث فيمزجان»؛ فتنه‌گریک تکه حق، یک تکه باطل را میگیرد، اینها را باهم مخلوط میکند، در کنار هم میگذارد؛ «فحينئذ يشته الحق على اوليائه»؛ آن وقت کسانی که دنبال حقتند، آنها هم برایشان امر مشتبه میشود. فتنه این است دیگر.^۲

تبیین حق و صراحت در بیان؛ راهکار علاج فتنه

خوب، حالا در مقابل یک چنین پدیده‌ای، علاج چیست؟ عقل سالم حکم میکند و شرع هم همین را قاطعاً بیان میکند: علاج عبارت است از صراحت در تبیین حق، صراحت در بیان حق. وقتی شما میبینید یک حرکتی به بهانه‌ی انتخابات شروع میشود، بعد یک عامل دشمنی در این فضای غبارآلوده وارد میدان شد، وقتی میبینید عامل دشمن - که حرف او، شعار او، حاکی از ما فی الضمیر اوست - آمد توی میدان، اینجا باید خط را مشخص کنید، اینجا باید مرز را روشن کنید. همه وظیفه دارند؛ بیشتر از همه، خواص؛

۱. نهج البلاغه، ص ۸۸، خطبه‌ی ۵۵

۲. در دیدار با اعضای شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی

و در میان خواص، بیشتر از همه، آن کسانی که مستمعین بیشتری دارند، شنوندگان بیشتری دارند. این وظیفه است دیگر: مرزها روشن بشود و معلوم بشود که کی چی میگوید. این جور نباشد که باطل، خودش را در لابه لای گرد و غبار برخاسته در میدان مخفی کند، ضربه بزند و جبهه‌ی حق نداند از کجا دارد ضربه میخورد. این است که حرف دوپهلوزدن، از خواص، مطلوب نیست. خواص باید حرف را روشن بزنند و مطلب را واضح بیان کنند. این، مخصوص یک گرایش سیاسی خاص هم نیست. در داخل نظام اسلامی، همه‌ی گرایشهایی که در مجموعه‌ی نظام قرار دارند، اینها باید صریح مشخص کنند که بالاخره آن حمایتی که مستکبرین عالم میکنند، مورد قبول است یا مورد قبول نیست. وقتی که سران استکبار، سران ظلم، اشغالگران کشورهای اسلامی، کُشندگان انسانهای مظلوم در فلسطین و در عراق و افغانستان و خیلی جاهای دیگر، می‌آیند وارد میدان میشوند، حرف میزنند، موضع میگیرند، خوب، باید معلوم بشود این کسی که در نظام جمهوری اسلامی است، در مقابل این چه موضعی دارد؛ حاضر است تبری بجوید، بگوید من دشمن شمایم؟ من مخالف شمایم؟

وقتی در داخل محیط فتنه، کسانی با زبانشان صریحاً اسلام و شعارهای نظام جمهوری اسلامی را نفی میکنند، با عملشان هم جمهوریّت و یک

انتخابات را زیر سؤال میبرند، وقتی این پدیده در جامعه ظاهر شد، انتظار از خواص این است که مرزشان را مشخص کنند، موضعشان را مشخص کنند. دوپهلو حرف زدن، کمک کردن به غبارآلودگی فضا است؛ این کمک به رفع فتنه نیست، این کمک به شفاف سازی نیست. شفاف سازی، دشمن دشمن است؛ مانع دشمن است. غبارآلودگی، کمک دشمن است. این، خودش شد یک شاخص. این یک شاخص است: کی به شفاف سازی کمک میکند و کی به غبارآلودگی کمک میکند. همه این را در نظر بگیرید، این را معیار قرار بدهند.^۱

کناره گیری و سکوت در دوران فتنه؛ خواست دشمن
بعضیها در فضای فتنه، این جمله ی «کن فی الفتنه کابن اللبون لا ظهر فیرکب ولا ضرع فیحلب»^۲ را بد میفهمند و خیال میکنند معنایش این است که وقتی فتنه شد و اوضاع مشتبه شد، بکش کنار! اصلاً در این جمله این نیست که: «بکش کنار». این معنایش این است که به هیچ وجه فتنه گران نتوانند از تو استفاده کنند؛ از هیچ راه. «لا ظهر فیرکب ولا ضرع فیحلب»؛ نه بتواند سوار بشود، نه بتواند تورا بدوشد؛ مراقب باید بود.
در جنگ صفین ما از آن طرف عمّار را داریم که جناب عمّار یا سردائم - آثار صفین را نگاه کنید - مشغول سخنرانی است؛ این طرف لشکر، آن طرف

۱. همان

۲. نهج البلاغه، حکمت ۱

لشکر، با گروه‌های مختلف؛ چون آنجا واقعاً فتنه بود دیگر؛ دو گروه مسلمان در مقابل هم قرار گرفتند؛ فتنه‌ی عظیمی بود؛ یک عده‌ای مشتبه بودند. عمار دائم مشغول روشننگری بود؛ این طرف میرفت، آن طرف میرفت، برای گروه‌های مختلف سخنرانی میکرد. که اینها ضبط شده و همه در تاریخ هست. از آن طرف هم آن عده‌ای که «نفر من اصحاب عبدالله بن مسعود...» هستند، در روایت دارد که آمدند خدمت حضرت و گفتند: «یا امیرالمؤمنین. یعنی قبول هم داشتند که امیرالمؤمنین است. انا قد شککنا فی هذا القتال»؛ ما شک کردیم. ما را به مرزها بفرست که در این قتال داخل نباشیم! خوب، این کنار کشیدن، خودش همان ضرعی است که یحلب؛ همان ظهری است که یُربک! گاهی سکوت کردن، کنار کشیدن، حرف نزدن، خودش کمک به فتنه است. در فتنه همه بایستی روشننگری کنند؛ همه بایستی بصیرت داشته باشند. امیدواریم إن شاء الله خدای متعال ما را و شما را به آنچه میگوییم، به آنچه نیت داریم، عامل کند؛ موفق کند.^۲

دو وظیفه‌ی افسران جنگ نرم

در مقابل این، افسر جنگ نرم باید مقاومت کند.
چگونه مقاومت کند؟

۱. وقعة صفین، ص ۱۱۵

۲. در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۰۲ / ۰۷ / ۱۳۸۸

الف) بالا بردن معرفتهای سیاسی و دینی
اولاً معرفتهاتان را بالا ببرید. عزیزان من! سقف
معرفت خودتان را، سایت‌های سیاسی و اوراق روزنامه‌ها
و پرسه زدن در سایت‌های گوناگون قرار ندهید؛ سقف
معرفت شما اینها نیست. البته من امروز از این
حرفهایی که زدند، حقیقتاً لذت بردم؛ حرفهای خوب،
حرفهای پخته، تعبیرات جافتاده، جمله بندیهای
درست؛ این خوشحال کننده است. من میخواهم
بگویم هرچه میتوانید، اولاً در این بخش کار کنید.
سطح معرفت را بالا ببرید. با قرآن، با نوشتجات
مرحوم شهید مطهری، با نوشتجات فضلالی بزرگی که
خوشبختانه امروز در حوزه‌های علمیّه حضور دارند،
آشنا شوید. امروز فضلالی جوانی در حوزه‌های علمیّه
هستند که میتوانند در این قسمت به مجموعه‌ی
جوانهای دانشگاهی یاری بدهند؛ کما اینکه کارهای
خوبی هم دارد انجام میگیرد. سطح معرفت دینی بالا
برود؛ این یکی از کارهاست که حتماً لازم است. به
نظر من آن کاری که مهم است انجام بگیرد، مطالعات
اسلامی است.

ب) پیدا کردن نگاه مستفسرانه‌ی همراه با انتقاد سازنده
نظارت و توجه به اوضاع کشور. نگاه مستفسرانه
و دنبال پیدا کردن واقعیت، همراه با انتقاد. قبلاً
هم عرض کردم که انتقاد هیچ اشکالی ندارد. نگاه
منتقدانه هیچ اشکالی ندارد، منتها انتقاد درست؛

بی‌انصافی نشود. آدم گاهی میبیند در بعضی از انتقادهای بی‌انصافی میشود. حالا شما یک خرده تندید و جوان هم هستید و آدم خیلی هم توقع ندارد؛ اما آنهایی که ریش و سبیلشان سفید هم شده، گاهی اوقات انسان میبیند که بی‌انصافی میکنند؛ در بیان کردن و گفتن و حرف زدن نسبت به این و آن، بی‌ملاحظگی میکنند. مراقبت کنید بی‌انصافی نشود. بنابراین نقد مستمر، نظارت مستمر و متعادل بر اوضاع کشور، بر مدیریتهای، جزو کارهای بسیار لازم است؛ البته باید با عقلانیت و با مدارا همراه باشد، بدون افراط، بدون پرخاشگری؛ اما نگاه نقادانه. به نظر من این هم کار لازم دیگری است.^۱

امید؛ اساسی‌ترین مطلب

عزیزان من! اساسی‌ترین قضیه هم امید است. من به شما عرض بکنم؛ از جمله‌ی سخت‌ترین کارهایی که علیه من و شما دارد انجام میگیرد، این است که امید را در ماها بمیرانند. سعی کنید امید را زنده نگه دارید. هرچه میتوانید، شعله‌ی امید را در دل خودتان و در دل مخاطبان‌تان زنده نگه دارید. با امید است که میشود پیش رفت. امید هم امید بی‌جا نیست؛ امیدی است که واقعیتها کاملاً ما را به درستی آن نوید میدهد.^۲

۱. در دیدار دانشجویان ۱۳۹۱/۰۵/۱۶

۲. همان

وظیفه‌ی نخبگان در تقویت امید در مردم

به برکت انقلاب و اسلام، جوانهای ما راه حرکت و امید حرکت را پیدا کرده‌اند؛ این امید باید در اینها تقویت شود. درست برخلاف سیاست استکباری دنیا که در میان ملت‌ها بذر نومیدی میپاشد، باید بذر امید کاشته و آبیاری شود. به نظر من، این تکلیف عمده‌ی نخبگان است.^۱

ضرورت شرکت بانشاط دانشجویان در انتخابات

دانشجویان یکی از قشرهای زنده و فعال و بانشاطند. در قضایای اجتماعی و سیاسی هم باید همین‌طور زنده و فعال و بانشاط شرکت کنند. خیلی خوب است که در قضایای مختلف، مسائل سیاسی جامعه، در انتخابات، راهپیماییها، موضع‌گیریها، بخصوص موضع‌گیریهایی که در زمینه‌ی مسائل جهانی و بین‌المللی است و خیلی هم مهم است، دانشجویان فعال باشند.^۲

وظیفه‌ی نخبگان علمی در تشویق مردم برای شرکت در انتخابات

چون صحبت انتخابات خبرگان شد، من هم عرض کنم که این انتخابات واقعاً مهم است؛ انتخابات ممتازی است. شرکت عمومی در آن، بسیار

۱. در دیدار مسئولان و نخبگان استان همدان ۱۹/۰۴/۱۳۸۳

۲. در جلسه‌ی پرسش و پاسخ دانشگاه تهران ۲۲/۰۲/۱۳۷۷

خوب و از جهات مختلفی لازم است. حدّاقلّش یک مانور مّلی در مقابل دشمنان خارجی است. لذا شما که شخصیت‌های علمی و جوانان فعّالی هستید، تلاش کنید و مردم را وادار نمایید که در اصل انتخابات شرکت کنند. البته مردم خودشان شرکت میکنند و نامزد باصلاحیت را این شاء الله در هر شهر و هر استانی برمیگزینند. این انتخابات باید این شاء الله انتخابات وسیع و خوبی باشد.^۱

وظیفه‌ی دانشجویان در افزایش مشارکت مردم در انتخابات

مسأله‌ی اول، مشارکت است. در زمینه‌ی مشارکت مردم، هر طور که میتوانید، روی خانواده‌ها و دوستانتان کار کنید. مشارکت، یکی از اساسی‌ترین مسائل است. حضور مردم برای پیشرفت و صیانت کشور لازم است. نه اینکه اگر عده‌ی زیادی شرکت نکردند، اینها به نظام «نه» گفته‌اند؛ به هیچ وجه این طوری نیست. آنهایی که به خاطر «نه» گفتن به نظام نمی‌آیند، درصد خیلی کمی‌اند. یک عده به خاطر بی حالی نمی‌آیند؛ یک عده به خاطر بی حوصلگی نمی‌آیند؛ یک عده روز جمعه کار دیگری دارند و نمی‌آیند؛ اینها را شما راه بیندازید. و الا کسانی که معتقد به نظام و قانون اساسی نیستند و دلشان برای بیگانگان و نفوذ آنها پر میزند و منتظر آمدن بیگانگان هستند، درصد بسیار

۱. در جلسه‌ی پرسش و پاسخ دانشگاه تربیت مدرس ۱۲/۰۶/۱۳۷۷

کمی‌اند. خیلیها ممکن است پای صندوقها نیایند؛ به خاطر اینکه حوصله‌اش را ندارند، وقتش را ندارند، درست اهمّیت قضیه را نمیدانند، متوجه تأثیر رأی خودشان نیستند یا به کسی که به او اطمینان و اعتماد کنند، نرسیده‌اند؛ یا کسی را هم که شناخته‌اند، نپسندیده‌اند؛ لذا نمی‌آیند. تلاش شما باید این باشد که مشارکت را به معنای حقیقی کلمه حدّ اکثری کنید. شما دانشجویید، فرزانه‌اید، روشن‌فکرید و معیارها را هم میدانید؛ بنابراین نگاه کنید ببینید با معیارهای جمهوری اسلامی، در میان نامزدهای انتخاباتی چه کسی کفایت و نشاط و توانایی لازم را دارد و میتواند وارد این میدان شود و با چالشهای گوناگون دست و پنجه نرم کند و تحت تأثیر دشمن نیست و دشمن از آمدن او خوشحال نمیشود.^۱

۱. بیانات در دیدار دانشجویان بسیجی ۱۳۸۴/۰۳/۰۵

فصل سوم هنرمندان و اهل رسانه

بصیرت‌بخشی؛ از وظایف مداحان

یک بخش هم آگاهیها و بصیرت‌بخشیها نسبت به مسائل زندگی است. البته من با اینکه در منبرهای مداحی، هی تعرض به این، بدگویی به آن بشود، موافق نیستم و اینها را دوست نمی‌دارم؛ اما بصیرت‌بخشی خوب است، آگاهی پیدا کنند. امروز ملت ما بر اثر بصیرت است که توانسته است بایستد. ملت ما میدانند علیه او چه توطئه‌هایی هست، چه کسانی توطئه میکنند، هدف از این توطئه‌ها چیست، از چه چیز ملت ایران ناراحتند؛ اینها را مردم ما میدانند. ملت ایران میدانند که روحیه‌ی ایمان، اسلام، آزادی خواهی، استقلال طلبی، ایستادگی در راه درست، دشمن را عصبانی کرده. مردم ما دشمن را هم میشناسند. شیوه‌های او را هم به تدریج همه مان یاد گرفتیم، فهمیدیم شیوه‌های دشمن چیست. این بصیرت خیلی چیز باارزشی است. اگر این بصیرت

نبود، ملت ما نمی‌ایستادند. تبلیغاتی هم که دشمنان میکنند؛ چه آنهایی که خودشان مستقیماً تبلیغ میکنند، چه آنهایی که به زبان بلندگوها و بوقهای اجاره‌ای شان میدمند و از زبان آنها پخش میکنند، همه‌اش در جهت این است که این بصیرت را از مردم بگیرند؛ امر را بر مردم مشتبه کنند؛ آنها را از ایمانشان، از اسلامشان، از استقامتشان، از ایستادگی شان در این راه، از معرفت درستشان نسبت به حوادث زندگی دور کنند. خوب، یک برنامه‌ی مجلسی مدّاحی میتواند یک بخشی را به این اختصاص دهد. شعرش را پیدا کنید، جملاتش را انتخاب کنید. در یک لحظه‌ی مناسب، گاهی اوقات یک کلمه به قدر یک کتاب در دلها اثر میگذارد. در دلها اثر بگذارد. من میبینم که خوشبختانه امروز جامعه‌ی مدّاحان انصافاً در این جهت خیلی پیش رفته‌اند؛ حالا آن برنامه‌هایی که ما توفیق پیدا میکنیم بشنویم، یا اینجا برگزار میشود، یا بعضاً از تلویزیون میبینیم.^۱

وظیفه‌ی هنرمندان در شرایط فتنه

خب، در اینجا شاعر چه نقشی دارد؟ مرد هنری و مرد فرهنگی - مرد شامل زنها هم میشود - یعنی انسان هنری و انسان فرهنگی، در این صحنه چه وظیفه‌ای دارد؟ به نظر من، وظیفه خیلی سنگین است، خیلی بزرگ است. مهمترین وظیفه هم تبلیغ و تبیین

۱. در دیدار جمعی از شاعران و ذاکرین اهل بیت (ع) ۱۳۹۰/۰۳/۰۳

است؛ «الَّذِينَ يَبْلُغُونَ رَسُولَاتِ اللَّهِ وَيُخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ»^۱؛ این یک معیار است؛ حقیقتی را که درک میکنید، آن را تبیین کنید. کسی انتظار ندارد برخلاف آنچه که میفهمید حرف بزنید. نه، آنچه را که میفهمید، بگویید. البته برای اینکه آنچه میفهمید درست و صواب باشد، باید تلاش و مجاهدت کنید؛ چون در حوادث فتنه‌گون، شناخت عرصه دشوار است، شناخت اطراف قصه دشوار است، شناخت مهاجم و مدافع دشوار است، شناخت ظالم و مظلوم دشوار است، شناخت دشمن و دوست دشوار است. اگر بنا باشد یک شاعر هم مثل دیگران گول بخورد، فریب بخورد و بی بصیرتی به سراغش بیاید، این خیلی دون شأن یک انسان هنری و یک انسان فرهنگی است. پس باید حقیقت را فهمید؛ بعد هم باید همان حقیقت را تبلیغ کرد. نمیشود با شیوه‌های سیاسی- شیوه‌های سیاست‌گران و سیاست‌مداران- در عالم فرهنگ حرکت کرد، این خلاف شأن فرهنگ است. در عالم فرهنگ بایستی گره‌گشایی کرد؛ بایستی حقیقت را باز کرد، بایستی گره‌های ذهنی را باز کرد. و این تبیین لازم دارد، یعنی همان کار انبیا؛ فصاحت و بلاغتی هم که گفته‌اند در بیان لازم است، بلاغتش به این معناست. اگرچه که بلاغت را در کتب فنی به معنای مطابقت با مقتضای حال معنا میکنند، اما آن یک معنای خاصی از بلاغت است؛ معنای اولی

۱. سوره‌ی احزاب، آیه‌ی ۳۹

و صریح بلاغت این نیست؛ بلاغت یعنی رساندن، بلاغ یعنی رساندن. اینی که مثلاً میگویند حافظ این شعر فصیح و بلیغ را گفته، بلیغش یعنی چه؟ یعنی مناسب مقتضای حال گفته؟ چه میدانیم ما آن وقتی که این شعر را گفته، مقتضای حال بوده یا نبوده! ما الان داریم نگاه میکنیم؛ بحث اقتضای حال نیست؛ یعنی رساست. بلیغ یعنی رسا؛ رسا بگویند، روشن بگویند، مبین بگویند؛ اما آنچه را که میفهمید بگویند؛ هیچ انتظار نیست. حق هم نیست که انتظار باشد. کسی برخلاف فهمیده‌ی خودش حرف بزند. سعی هم نکنید که آنچه که فهمیدید درست باشد.^۱

بیان و تبیین؛ وظیفه‌ی هنرمندان در برابر جنگ نرم
 من به شما عرض میکنم که این حرکت عظیم انقلاب اسلامی، یک حرکت تمام شده نیست. حالا یک گوشه‌ی از لشکران من و شما ایم که حالا یک ذره مثلاً اهل ادب و فرهنگ و اینها محسوب میشویم؛ «و لله جنود السماوات والارض»؛^۲ لشکر او زمین و آسمان نمیشناسد؛ «وكان الله عزيزاً حكيماً»؛^۳ خدا عزیز است. عزیز یعنی غالب لا یرغب، یعنی بی نیاز از همه. من و شما هم حالا یک گوشه‌ای از کار را در دست میگیریم. این حرکت عظیمی که با انقلاب

۱. در دیدار جمعی از شعرا ۱۴/۰۶/۱۳۸۸

۲. سوره‌ی فتح، آیه‌ی ۷

۳. همان

اسلامی شروع شد، یک حرکت تمام شده نیست؛ مطلقاً تمام شده نیست، آن حرکت ادامه دارد. همین که حالا معمول شده که در بیانه‌ها و در تلویزیون و توی تبلیغات و توی دادگاه و توی زبان همه، میگویند «جنگ نرم»، راست است، این یک واقعیت است؛ یعنی الان جنگ است. البته این حرف را من امروز نمی‌زنم، من از بعد از جنگ - از سال ۶۷ - همیشه این را گفته‌ام؛ بارها و بارها. علت این است که من صحنه را میبینم؛ چه بکنم اگر کسی نمیبیند؟! چه کار کند انسان؟! من دارم میبینم صحنه را، میبینم تجهیز را، میبینم صف آراییه‌ها را، میبینم دهانهای با حقد و غضب گشوده شده و دندانهای با غیظ به هم فشرده شده علیه انقلاب و علیه امام و علیه همه‌ی این آرمانها و علیه همه‌ی آن کسانی که به این حرکت دل بسته‌اند؛ اینها را انسان دارد میبیند، خوب چه کار کند؟ این تمام نشده. چون تمام نشده، همه وظیفه داریم. وظیفه‌ی مجموعه‌ی فرهنگی و ادبی و هنری هم، وظیفه‌ی مشخصی است: بلاغ، تبیین؛ بگویید، خوب بگویید. من همیشه تکیه بر این می‌کنم: بایستی قالب را خوب انتخاب کنید و هنر را بایستی تمام عیار توی میدان بیاورید؛ نباید کم گذاشت تا اثر خودش را بکند.

میبینید، دیگران با این کارهای هنرمندانه‌ای که بعضاً دارند، دارند یک باطلهایی را تبلیغ میکنند؛ شگفت اینکه ما هم همان حرفها را قبول میکنیم!

همین سریال کره‌ای که دارد پخش میشود و همه دارند آن را میبینند، یک تاریخ‌سازی و افسانه‌ی باطل است؛ آدم اگر بخواهد توی شاهنامه بگردد و این جور داستانی را پیدا کند، ده پانزده تا از این داستانها میشود پیدا کرد. منتها طرف هنر به کار برده؛ وقتی کسی هنرمندانه کار میکند، پاداشش همین است که جنابعالی هم، که هیچ علاقه‌ای به آن تاریخ و به آن فرهنگ ندارید، می‌نشینید و با کمال علاقه گوش میکنید و خواهی نخواهی آن فرهنگ را جذب میکنید! این خاصیت هنر خوب است.^۱

ضرورت خدمتگزاری شعر به مفاهیم ملی و انقلابی مسائل مهمی در کشور ما وجود دارد که شعر میتواند از اینها بهره‌مند شود و در خدمت این مفاهیم در بیاید. مفاهیم هم مفاهیم شخصی نیست؛ مفاهیم ملی است... مسائل موجود کشورتان هم مسائلی هستند که شما نمیتوانید از اینها صرف نظر کنید؛ اینها باید در عالم شعر بیاید.^۲

بی تفاوتی برخی از شعرا نسبت به تحرکات دشمن علیه کشور

خب، یک عده‌ای هستند که به مسائل کشور اصلاً اهمیتی نمیدهند. من آدمهایی را مشاهده

۱. در دیدار جمعی از شاعران ۱۴/۰۶/۱۳۸۸

۲. در دیدار جمعی از شاعران ۱۴/۰۵/۱۳۹۱

کردم که مدّعی میهن دوستی و مدّعی عاشق این آب و خاک بودند، اما به مسائل این آب و خاک اهمّیت نمیدادند. هشت سال در این کشور جنگ بود؛ این جنگ را جمهوری اسلامی که راه نینداخته بود؛ بر جمهوری اسلامی تحمیل شده بود. خب، آنهایی که با جمهوری اسلامی مخالفند، در این جنگ باید چه موضعی میگرفتند؟ باید چه کار میکردند؟ دولت، دولت جمهوری اسلامی است؛ اما ملّت، ملّت ایران است؛ شهر دزفول است، خرمشهر است، تهران است؛ چرا نسبت به آن بی تفاوت ماندند؟ چرا شعرای مطرح، هنرمند های مطرح، رمان نویس های مطرح، مقاله نویس های مطرح، روشنفکر های مطرح، نسبت به این قضیه بی تفاوت ماندند؟ آیا این بی تفاوتی عیب نیست؟ این بزرگ ترین عیب است.

... امروز هم همین جور است. امروز شما میبینید جبهه ی استکبار با همه ی وجودش، با همه ی توانش، با همه ی قدرت تبلیغاتی اش، با همه ی توانایی های تشکیلاتی سیاسی اش، در مقابل ملّت ایران ایستاده و دارد کارهایی انجام میدهد. حالا این کارها چقدر اثر میکنند یا نمیکند، آن بحث دیگر است. بالاخره دشمن دارد خباثت خودش را میکند؛ او کم نمیگذارد؛ او با مقابله با ملّت ایران و کشور ایران، روح پلید و خبیث و ملعون خودش را دارد ارضا میکند؛ اینجا هم در مقابله با او سینه ها سپر شده، ایستادند، استقامت میکنند، مقاومت میکنند، دارد دفاع میشود؛ خب،

این یک حادثه‌ی ملی است؛ این حادثه‌ی ملی را می‌توانید از نظر دور بدارید؟ اینها باید در شعر منعکس شود. عرض کردم؛ من هیچ اصرار ندارم که شما یک قصیده‌ی پنجاه بیتی درباره‌ی این قضیه بگویید؛ نه، یک غزل هفت هشت بیتی بگویید، یک بیتش، دو بیتش مثل یک تک مضراب، این مسئله را بیان کند. اینها لازم است. بالاخره در مصاف حق و باطل باید موضعی داشت؛ نمیشود بدون موضع بود.^۱

توقع معقول نظام از هنر و هنرمندی

توقع انقلاب از هنر و هنرمند، مبتنی بر نگاه زیباشناختی در زمینه‌ی هنر است، که توقع زیادی هم نیست. ملّتی در یک دفاع هشت ساله با همه‌ی وجود به میدان آمد. جوانان به جبهه رفتند و از فداکاری در راه ارزشی که برای آنها وجود داشت، استقبال کردند. البته عمدتاً به خاطر دین رفتند؛ هرچند ممکن است عده‌ای هم برای دفاع از میهن و مرزهای کشور دست به فداکاری زده باشند. مادران و پدران و همسران و فرزندان و کسانی که پشت جبهه تلاش میکردند نیز طور دیگری حماسه آفریدند. شما خاطرات هشت سال دفاع مقدّس را مرور کنید، ببینید برای یک نگاه هنرمندانه به حالت و کیفیت یک جامعه، چیزی از این زیباتر پیدا میکنید؟ شما در عالی‌ترین آثار دراماتیک دنیا، آنجایی که به فداکاری یک انسان

برخورد میکنید، او را تحسین و ستایش میکنید. وقتی فیلم، آهنگ، تابلوی نقاشی، زندگی فلان انقلابی- مثلاً ژاندارک- یا سرباز فداکار فلان کشور را برای شما به تصویر میکشند، در دل و باطن وجدان خودتان نمیتوانید کار او را تحسین نکنید. هزاران حادثه‌ی به مراتب با ارزش‌تر و بزرگتر از آنچه که در این اثر هنری نشان داده شده، در دوران هشت سال دفاع مقدّس و در خود انقلاب، در خانه‌ی شما اتفاق افتاد. آیا این زیبایی نیست؟ هنر میتواند از کنار این قضیه بی تفاوت بگذرد؟ توقع انقلاب این است و توقع زیاده خواهانه‌ای نیست. میگویند چرا زیبایی دیده نمیشود! کسی که به این مقوله بی اعتناست، نمیخواهد این زیبایی را ببیند؟

... کشور ایران با همه‌ی این خصوصیات فرهنگی عمیقی که شما میگویید و راست هم میگویید و من هم به همینها اعتقاد دارم، تحقیر شد. پنجاه شصت سال کسانی بر ما حکومت کردند که آورنده‌ی آنها، نه اینکه ما نبودیم- چون در ایران حکومت مردم به این صورت اصلاً سابقه نداشت- بلکه دل‌آوری خودشان هم نبود. ای کاش اگر دیکتاتور بودند، اقلّاً مثل نادرشاه با زور بازوی خودشان، یا مثل آغامحمدخان با حيله‌گری خودشان بر سرکار آمده بودند؛ اما این طور نبود. دیگران آمدند و آنها را بر این ملّت مسلط کردند و تمام منابع مادّی و معنوی این ملّت را به غارت بردند. با رنجها و محنتهای بسیاری، حرکت عظیمی در

مقابل این پدیده‌ی شوم اتفاق افتاد و توانست، با فدا کردن جانها و با عریان کردن سینه‌ها در مقابل دشمنی دشمن غدار، به جایی برسد. این زیبا نیست؟ هنر چگونه میتواند از کنار اینها بی تفاوت بگذرد؟ این توقع انقلاب است. هنر انقلابی که ما از اول انقلاب همین‌طور گفتیم و آن را درخواست کردیم، این است. آیا این توقع زیادی است؟ موسیقی و فیلم و تئاتر و نقاشی و سایر رشته‌های هنری شما باید به این مقوله بپردازد؛ اینها چیزهای لازمی است. توقع انقلاب از هنر و هنرمند، یک توقع زورگویانه و زیاده‌خواهانه نیست؛ بل مبتنی بر همان مبانی زیباشناختی هنر است. هنر آن است که زیباییها را درک کند. این زیباییها لزوماً گل و بلبل نیست؛ گاهی اوقات، انداختن یک نفر در آتش و تحمل آن، زیباتر از هر گل و بلبلی است. هنرمند باید این را ببیند، درک کند و آن را با زبان هنر تبیین نماید.^۱

ضرورت موضع سیاسی دانش‌تقن هنرمند در مورد اصول انقلاب

همیشه توصیه‌ی من به هنرمندان و کسانی که با کار هنری سروکار دارند، این است که اینها را به بازیهای خطی و سیاسی نکشانید. زیرا در این صورت همه چیز تباه خواهد شد. اما اشتباه نکنید؛ آنجایی که پای حفظ ارزشها و تداوم بخشیدن به

۱. در دیدار اصحاب فرهنگ و هنر ۱۳۸۰/۰۵/۰۱

آنهاست، یا صحبت از استحاله‌ی ارزشهاست، یک خط‌کشی وجود دارد؛ شما نمیتوانید بگویید من نه این طرف هستم، نه آن طرف. مگر میشود؟ این میشود بی‌هویتی. مگر میشود آدم به یک ارزش، هم معتقد باشد، هم نباشد؛ یک ارزشی را، هم پاس بدارد، هم ندارد؟ اینجا آدم باید موضع انتخاب کند و پای آن بایستد. البته من هیچ نفی نمیکنم؛ ممکن است کسی اشتباه کند؛ در این صورت انسان خطا را جبران میکند.^۱

استفاده‌ی ناشایست استخبارگران از هنر

ببینید عزیزان من! سیاست در دنیای امروز از هنر استفاده‌ی ناشایسته میکند. اگر بگوییم نمیکنند، دلیل بی‌اطلاعی است. نه فقط امروز استفاده میکند، بلکه از سابق استفاده میکرده است. چند روز پیش سندی از اسناد منتشرشده‌ی وزارت خارجه‌ی آمریکا درباره‌ی جریان کودتای ۲۸ مرداد را ترجمه کرده و برای من آوردند... آن بخش مورد توجه من این است: «کیم روزولت» میگوید وقتی ما به تهران آمدیم، یک چمدان بزرگ پُراز مقاله‌هایی که نوشته شده بود و باید ترجمه میشد و در روزنامه‌ها به چاپ میرسید، و نیز کاریکاتورهایی را با خودمان آوردیم! شما فکرش را بکنید، دستگاه CIA^۲ آمریکا برای ساقط کردن

۱. همان

۲. سازمان جاسوسی آمریکا

حکومتی که با آنها ناسازگار بود و منافع آنها را تأمین نمی‌کرد؛ حکومتی که به آرای مردم مثنی بود. برخلاف همه‌ی حکومت‌های دوران پهلوی، این یک حکومت ملی بود که قانونی و با آرای مردم برسر کار آمده بود. تحت عنوان اینکه ممکن است پشت پرده‌ی آهنین شوروی برود، از همه‌ی ابزارها. از جمله از ابزار هنر. علیه آن استفاده کرد. البته آن روز کاریکاتوریستی که هم به درد اینها بخورد و هم بتواند مورد اعتمادشان قرار گیرد، لابد نبوده است؛ لذا با خودشان کاریکاتورهای آماده را آورده بودند! در آن اسناد آمده است که ما به بخش هنری سازمان سفارش کردیم که این چیزها را تهیه کند! اتفاقاً دوسه سال پیش نیز ایتالیاییها کتابی نوشتند که به فارسی هم ترجمه شده است؛ آنجا هم به وجود بخش هنری سازمان سیا و فعالیت‌های گوناگونش اشاره شده است. سیاست، این گونه از هنر استفاده میکند. شما در اینجا میخواهید چه کار کنید؟ اگر همه‌ی سیاستمداران و مستکبران و قلدران و صاحب‌اختیاران دنیا می‌آمدند در مقابل کتاب مقدس خودشان قسم جلاله می‌خوردند که از هنر استفاده نکنند، میشد آدم نسبتاً خیال راحتی پیدا کند و بگوید بسیار خوب، الحمدلله، هنر خلاص شد؛ اما آنها از هنر استفاده میکنند. شما میخواهید چه کار کنید؟ آیا شما میخواهید در مقابله با مطامعی که آنها به وسیله‌ی هنر به آن میرسند، از این ابزار بهره

نبرید؟ این خردمندانه است؟ نه؛ این خردمندانه نیست.^۱

کلید پیشرفت کشور به دست هنرمندان

خوب، این کشور، در یک چنین شرایطی است؛ این کشور میخواهد پیش برود، این کشور میخواهد حرکت بکند؛ ما این چیزهایی که حالا شما در زمینه‌ی فناوری هسته‌ای و پیشرفته‌های علمی میشنوید، اینها فقط بخشی از بسیار آن چیزی است که در کشور اتفاق افتاده. بحمدالله جوان و استعداد هم که زیاد داریم، ما احتیاج داریم به امید، به شوق، به کار، به اعتماد به نفس، به کم کردن تکیه بر بیگانگان - به فرهنگشان، به رفتارشان، به بخشنامه‌های فکری و فرهنگی شان - ما به اینها احتیاج داریم؛ به جوشیدن از درون، به استخراج گنجینه‌هایی که در میراث فرهنگی ما هست. این جوان اگر بخواهد این طور تربیت شود، به حضور شما در صحنه احتیاج دارد؛ یعنی شما باید وارد میدان بشوید تا این اتفاق بیفتد؛ من این را میگویم. من میگویم الان کلید دست شماست. من شأن سینما را این میدانم. من میگویم امروز کلید پیشرفت این کشور، به میزان زیادی دست شماست؛ شما میتوانید این نسل را یک نسل پیش‌رونده، امیدوار، پُرشوق، معتقد به خود و معتقد به ارزشهای اسلامی و ملی خود بار بیاورید؛ و همین طور میتوانید

این نسل را شرمنده، پشیمان، زیرسؤال برنده‌ی افتخارات گذشته و زیرسؤال برنده‌ی افتخار انقلاب و دفاع مقدس بار بیاورید.^۱

وظایف هنرمندان

هنرمندان، زبان رسای هنر را در خدمت انقلاب و اسلام - که عزیزترین سرمایه‌ی مردم است - به کار گیرند و این عطیه‌ی الهی را صرف تعالی افکار مردم کنند و هنر را از آمیزش با مظاهریانبار فرهنگ بیگانه رها سازند. هنر را با حفظ تعالی آن به میان مردم برند و در ذهن و دل آنان وارد کنند و از شکل کالای تجملی و مخصوص گروهی خاص خارج سازند.

نویسندگان و گردانندگان مطبوعات، هدایت افکار جامعه و تلاش برای اعتلای و ارتقای آن را وظیفه‌ی بزرگ خود دانسته، فضای ذهنی جامعه را با طرح مسائل مهم جهانی و داخلی و افشای خدعه‌های نظام سلطه‌ی بین‌المللی روشن سازند و امانت و صداقت معلمی دلسوز را، فریضه‌ی تخلف‌ناپذیر خود شمارند و از طرح موضوعات تفرقه‌انگیز یا دلسردکننده اجتناب ورزند.^۲

۱. همان

۲. پیام به ملت شریف ایران، در پایان چهلمین روز ارتحال حضرت امام خمینی (ره) ۱۳۶۸/۰۴/۲۳

لزوم پرهیز مطبوعات از به هم ریختن فضای سیاسی کشور

مطبوعات هم سعی نکنند فضا را تیره و تار نشان دهند. یک وقت تذکره به دولت و تذکره به مسئولان و نصیحت کردن است، اینها خوب است؛ اما یک وقت تیره و تار جلوه دادن افق و فضاست، این بد و خطاست. اگر عمداً صورت گیرد، خیانت است. فضا و افق آینده‌ی کشور، تیره و تار نیست؛ روشن است. ملت ما زنده و بیدار و عازم و مصمم است و مسئولان ما علاقه‌مند و وظیفه‌شناس و خودی‌اند. اگر چند صباحی در گوشه‌ای در رده‌های دوم یا سوم، آدمهای نامطمئن و غریبه‌ای هم باشند، باید با آنها برخورد شود؛ باید خود مسئولان و دستگاہهای مختلفی که مسئولند، با آنها برخورد کنند.^۱

ضرورت پرهیز مطبوعات از تیره و تار نشان دادن شرایط کشور

بنده روزها ده بیست تا روزنامه را معمولاً همین‌طور یک مروری میکنم. بعضی از روزنامه‌ها هر روزی چهارتا، پنج تا تیتراژ دارند که هر کدام از این تیتراژها کافی است دل یک آدم ضعیف را بلرزاند؛ منفی، منفی، منفی، منفی! این کار را دوست میدارند. حالا اغراض سیاسی است، اغراض جذب مشتری است؛

۱. در دیدار گروه کثیری از کارگران و معلمان به مناسبت روز کارگر و هفته‌ی معلم ۱۳۸۱/۰۲/۱۱

هرچه هست، نمیدانیم؛ کسانی را متهم نمیکنیم؛ اما این واقعیت است، این غلط است. غلبه دادن نگاه منفی، خلاف واقع بینی است؛ موجب ناامیدی است. نقطه‌ی مقابلش هم همین جور است. یعنی غلبه دادن نگاه مثبت، بدون دیدن نقطه‌ی منفی، این هم گمراه‌کننده است؛ موجب یک رضایتی در انسان میشود که احیاناً این رضایت، رضایت کاذب است؛ این هم درست نیست. نقاط منفی را هم باید در کنار نقاط مثبت دید. این کار را کشور و نظام توانسته انجام بدهد، این کار را نتوانسته انجام بدهد؛ این دوتا را در کنار هم ببینیم. بنابراین اگر بخواهیم اوضاع کشور را درست به دست بیاوریم، باید نقاط منفی و نقاط مثبت را در کنار هم مشاهده کنیم.^۱

۱. در دیدار مسئولان نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۶/۰۵/۱۳۹۰